

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه آزاد اسلامی
واحد تهران مرکزی
دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه علوم قرآن
و حدیث

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد (M.A)

گرایش: علوم قرآن و حدیث

عنوان:

روش تفسیری مکتب تفکیک

استاد راهنما:

دکتر عباس همای

استاد مشاور:

دکتر موسی ملایری

پژوهشگر:

حامد علی اکبرزاده

تابستان ۱۳۹۰

تقدیم به روح پاک پدرم، او که اول معلم من در مدرسه

محبت و عشق اهل بیت علیهم السلام بود

تدوین این اثر بعد از لطف الهی و امدار راهنمایی های اساتید
ارجمند جناب آقای دکتر عباس همامی و جنای آقای دکتر
موسی ملایری و بیش از همه زحمات همسر و مادر عزیزم
است. از همه این بزرگواران که در این مسیر حقیر را یاری
کردند، متواضعانه قدردانی می کنم.

چکیده:

مکتب تفکیک از مکاتب معاصر شیعه است که در ابتدا از مشهد مقدس و تفکرات مرحوم میرزا مهدی اصفهانی و نظائر او نشأت گرفته است. بررسی و نقد و تحلیل دیدگاه های این مکتب درباره مبانی و روش تفسیر قرآن از آن جهت اهمیت دارد که نظرات پیروان این مکتب در حال حاضر در جامعه رواج داشته و یکی از مکاتب فکری در میان شیعیان در ایران محسوب می شود، ضمن اینکه تاکنون در خصوص دیدگاه های تفسیری این مکتب اثر جامعی تدوین نشده است. این پژوهش با این فرضیه انجام شده است که مکتب تفکیک در حوزه تفسیر قرآن نمی تواند پاسخگوی همه سئوالات باشد و در موارد متعددی روش و مبانی تفسیری این دیدگاه دچار ضعف و نارسایی است. سئوالات اصلی این پژوهش به مباحثی چون مبانی تفسیر قرآن در مکتب تفکیک و نحوه اتکا به این مبانی در تفسیر قرآن و روش بهره گیری این مکتب از منابعی نظیر خود قرآن، سنت، عقل و لغت و ادبیات در تفسیر قرآن و همچنین نگاه مکتب تفکیک به تاویل قرآن اختصاص دارد. نتایج پژوهش حاکی از آن است که مکتب تفکیک روش تفسیری خود را بر اساس تعاریفی که از برخی مقولات نظیر علم، عقل، تفسیر به رای، تاویل و... دارد، بنا نهاده است و این روش تفسیری به دلیل اشکالاتی که در مبانی آن وجود دارد، دارای ضعف های متعددی است. ضمن اینکه نحوه بهره گیری این مکتب از منابع تفسیر قرآن به گونه ای است که گاه برخی از این منابع عملاً هیچ اعتبار و حجیتی در تفسیر نخواهند داشت. البته روش تفسیر قرآن در مکتب تفکیک دارای نقاط قوتی نظیر توجه بیش از پیش به احادیث و روایات نیز می باشد. به نظر می رسد مکتب تفکیک باید در موارد متعددی نسبت به روش و مبانی تفسیری خود تجدید نظر نماید، چرا که این روش به هیچ وجه موجب رفع یا کاهش مشکلات موجود در عرصه تفسیر نمی شود و دیدگاه هایی شبیه این دیدگاه در قرون قبلی نیز تجربه شده است.

فهرست مطالب

صفحة

عنوان

٥

۱	فصل اول: کلیات
۱	۱-۱-۱- مقدمه
۱	۱-۱-۱- بیان مساله:
۲	۱-۱-۲- اهمیت و ضرورت تحقیق
۲	۱-۱-۳- سوالات و فرضیه ها
۳	۱-۱-۴- گزارشی کلی از پژوهش
۴	۱-۲- معرفی مکتب تفکیک
۶	۱-۳- آشنایی با بزرگان مکتب تفکیک
۶	۱-۳-۱- میرزا مهدی غروی اصفهانی (تولد ۱۳۰۳ - وفات ۱۳۶۵ ق)
۸	۱-۳-۲- شیخ مجتبی قزوینی خراسانی (۱۳۱۸ - ۱۳۸۶ ق)
۹	۱-۳-۳- سید موسی زرآبادی قزوینی (۱۲۹۴ - ۱۳۵۳ ق)
۱۰	۱-۳-۴- شیخ محمدباقر ملکی میانجی (۱۳۲۴ ق - ۱۳۷۷ ش)
۱۱	۱-۴- مفهوم شناسی روش تفسیری
۱۱	۱-۵- مفهوم شناسی مبانی تفسیری
۱۱	۱-۶- پیشینه موضوع
۱۲	۱-۶-۱- نقد و بررسی مبانی و روش تفسیری مناهج البیان
۱۳	۱-۶-۲- نقد گونه‌ای بر مکتب تفکیک در زمینه تفسیر قرآن
۱۳	۱-۶-۳- مبانی فهم متون دینی از نگاه مکتب تفکیک

۱۳	۱-۶-۴-مبانی تفسیر در مکتب تفکیک
۱۴	فصل دوم: مبانی تفسیر در مکتب تفکیک
۱۴	۱-۲-وضع الفاظ برای حقایق خارجی (باب الابواب هدایت)
۱۶	۲-۲-عقل و ویژگی‌های آن در مکتب تفکیک
۱۶	۱-۲-۲-تعریف مفهوم عقل
۱۷	۲-۲-۲-حجیت عقل در فهم دین
۱۸	۲-۲-۳-مفهوم حجت و رابطه آن با حجیت عقل
۱۸	۳-۲-انواع یقین در مکتب تفکیک
۱۹	۴-۲-مفهوم علم در مکتب تفکیک
۱۹	۱-۴-۲-حجیت علم
۲۱	۵-۲-تقسیم قرآن به دو خطاب خاص و عام
۲۴	۶-۲-تعریف تفسیر در مکتب تفکیک
۲۵	۷-۲-روش مطلوب تفسیر قرآن
۲۵	۸-۲-بررسی جواز تفسیر قرآن
۳۰	۹-۲-مفهوم تفسیر به رای
۳۰	۱۰-۲-نقد و بررسی
۴۸	فصل سوم: منابع تفسیر قرآن در مکتب تفکیک
۴۸	۱-۳-قرآن

۴۸	۱-۱-۳- حجیت قرآن
۵۰	۲-۱-۳- حجیت ظواهر قرآن
۵۳	۳-۱-۳- ارجاع متشابه به محکم
۵۵	۴-۱-۳- تفسیر قرآن به قرآن
۵۷	۲-۳- سنت
۵۷	۱-۲-۳- حجیت سنت
۵۸	۲-۲-۳- حجیت خبر واحد
۶۰	۳-۲-۳- جایگاه سنت در تفسیر قرآن
۶۲	۳-۳- عقل
۶۲	۱-۳-۳- تعریف عقل
۶۲	۲-۳-۳- حجیت عقل
۶۳	۳-۳-۳- جایگاه عقل در تفسیر
۶۷	۴-۳-۳- تعارض عقل و نقل
۶۷	۱-۴-۳-۳- تعارض ادله نقلی با عقل فطری
۶۸	۲-۴-۳-۳- تعارض نقل و عقل اصطلاحی
۶۹	۳-۴-۳-۳- تعارض دلیل عقلی و خبر واحد
۶۹	۴-۳- لغت و ادبیات عرب
۷۰	۱-۴-۳- حجیت قول لغوی

۷۱	۲-۴-۳- جایگاه علم لغت و ادبیات در تفسیر
۷۳	۳-۵- نقد و بررسی
۸۷	فصل چهارم: تاویل در مکتب تفکیک
۸۸	۴-۱- مفهوم تاویل
۸۹	۴-۲- جواز تاویل قرآن
۹۱	۴-۳- تاویل پذیری همه آیات قرآن
۹۲	۴-۴- عالمان به تاویل قرآن
۹۴	۴-۵- نمونه‌هایی از تاویلهای باطل
۹۴	۴-۶- نقد و بررسی
۱۰۱	فصل پنجم: نتایج و پیشنهادها
۱۰۱	۵-۱- نتایج
۱۰۱	۵-۱-۱- عدم ارایه تعاریف دقیق و روشن
۱۰۱	۵-۱-۲- مسدود بودن راه تفسیر قرآن
۱۰۱	۵-۱-۳- عدم استفاده از همه منابع در تفسیر قرآن
۱۰۲	۵-۱-۴- غیر قابل فهم بودن تاویل قرآن
۱۰۳	۵-۲- پیشنهادها
۱۰۵	فهرست منابع

فصل اول: کلیات

۱-۱-۱- مقدمه

۱-۱-۱-۱- بیان مساله :

هدف از این پژوهش بررسی و نقد دیدگاه های مکتب تفکیک یا همان مکتب معارف خراسان-نشأت گرفته از افکار مرحوم میرزا مهدی اصفهانی و نظائر او- در زمینه مبانی و روش تفسیر قرآن کریم است. به واقع این پژوهش تلاشی است برای روشن شدن این مساله که در مکتب تفکیک چه روشی به عنوان بهترین روش تفسیر قرآن کریم مورد توجه است، این روش چه نقاط ضعف و قوتی دارد و آیا می توان در فهم و تفسیر قرآن به آن اعتماد کرد؟ در این اثر دیدگاه تفکیکیان در چگونگی بهره گیری از قرآن، سنت، عقل و لغت و ادبیات- به عنوان منابع و مصادر تفسیر قرآن- مورد بررسی و نقد قرار گرفته، ضمن اینکه برخی از اصول و مبانی فهم متون دینی و به طور خاص فهم و تفسیر قرآن کریم در مکتب تفکیک، نخست معرفی و در ادامه نقد و بررسی شده است. بیان دیدگاه های این مکتب درباره تاویل قرآن و بررسی نقاط ضعف و قوت آن مساله دیگری است که در این اثر مورد توجه قرار گرفته است. به طور کلی می توان گفت پژوهش حاضر به صورت کلی دیدگاه های تفسیری و تاویلی مکتب تفکیک را معرفی و مورد نقد و بررسی قرار داده است.

۱-۱-۲- اهمیت و ضرورت تحقیق

با توجه به اینکه در حال حاضر افکار و دیدگاه های پیروان مکتب تفکیک، یکی از افکار رایج در جامعه می باشد، بر این اساس بررسی، نقد و کنکاش در این خصوص به ویژه در رابطه با تفسیر قرآن کریم ضروری به نظر می رسد. چرا که با این گونه بررسی ها، نقاط ضعف و قوت مکتب تفکیک در حوزه تفسیر قرآن مشخص و اصلاح آن میسر می شود. البته نبود اثری جامعه درباره دیدگاه های تفسیری تفکیکیان- به همراه نقد و تحلیل- مهمترین انگیزه این پژوهش است.

۱-۱-۳- سوالات و فرضیه ها

فرضیه اصلی تحقیق این است که مکتب تفکیک در زمینه تفسیر قرآن نمی تواند به همه سوالات و نیازها پاسخ بگوید و اساسا روش تفسیری این مکتب به دلایل مختلف، صحیح و مورد اعتماد نبوده، ناکارآمدی آن به طرق گوناگون اثبات می شود و نتایج این روش تفسیری در بسیاری از موارد مفید علم نیست. در این پژوهش سوالاتی مورد توجه قرار گرفته است، اینکه موضع این مکتب درباره بهره گیری از عقل، سنت، لغت و ادبیات و حتی خود قرآن برای تفسیر کلام خدا چیست و از این مصادر چگونه بهره می برد؟ تاویل در این مکتب به چه معناست و چگونه به تاویل قرآن می پردازند و اینکه چه مبانی و اصولی منجر به استفاده از چنین روشی در تفسیر قرآن در مکتب تفکیک شده است. ضمن اینکه چه نقد هایی بر این روش ها و اصول و مبانی وارد است؟

۱-۱-۲- گزارشی کلی از پژوهش

فصل اول این پژوهش به تبیین کلیات و معرفی اجمالی مکتب تفکیک و همچنین ارایه پیشینه ای از موضوع پرداخته است و در فصل دوم مبانی و اصول تفسیر در مکتب تفکیک بررسی شده است. در این فصل مفاهیمی چون وضع لفظ برای حقایق و مصادیق خارجی، عقل و علم و حجیت آنها، انواع یقین، تفسیر، تفسیر به رای، تقسیم قرآن به دو خطاب عام و خاص و جواز و امکان تفسیر قرآن از منظر مکتب تفکیک بیان و در ادامه این مبانی مورد نقد و بررسی قرار گرفته است. در فصل سوم منابع و مصادر تفسیر قرآن و روش بهره گیری از آنها برای تفسیر در مکتب تفکیک تبیین و بررسی شده است. در این فصل نقش قرآن، سنت، عقل و لغت و ادبیات در تفسیر قرآن به تفصیل مورد توجه قرار گرفته است.

فصل چهارم این پژوهش به مفهوم تاویل در مکتب تفکیک اختصاص دارد. در این بخش نیز تلاش شده است مسائلی چون مفهوم تاویل، امکان تاویل قرآن، عالمان به تاویل، محدوده تاویل قرآن و نمونه هایی از تاویل های باطل و ناروا از نگاه این مکتب تبیین و در ادامه این دیدگاه ها بررسی و تحلیل گردد.

۱-۲- معرفی مکتب تفکیک

مکتب تفکیک نامی است که برای اولین بار محمدرضا حکیمی برای تفکری خاص که در میان اساتید و همفکران وی به ویژه در حوزه مشهد رواج داشته، انتخاب کرده است. این مکتب به واقع از تفکرات مرحوم میرزا مهدی غروی اصفهانی نشأت گرفته و به مرور توسط شاگردان و پیروان تفکرات وی تکمیل و معرفی شده است. به گفته پیروان تفکیک هدف این مکتب نابسازی و خالص مانی شناخت‌های قرآنی و سره فهمی این شناخت‌ها و معارف است، بدور از تاویل و مزج با افکار و نخله‌ها و برکنار از تفسیر به رای و تطبیق، تا حقایق وحی و اصول علم صحیح مصون ماند و با داده‌های فکر انسانی و ذوق بشری در نیامیزد و مشوب نگردد. (حکیمی، ۱۳۷۷، ۵۷)

این مکتب از آن رو تفکیک نام گرفته که پیروان آن معتقدند بایستی بین معارف فلسفی و عرفانی و معارف و حیانی تفکیک و جدایی قائل شد. بدین معنی که در عرصه سلوک و معرفت، فلسفه و عرفان یک مسیر و قرآن و معارف و حیانی راهی جداگانه را می‌پیمایند. اینان معتقدند که اگر چه نام تفکیک نامی تازه است لیکن مبانی و اصول آن به صدر اسلام می‌رسد و این اعتقاد که حقایق دینی راستین و معرفت صحیح همان است که در قرآن کریم - و احادیث معصومین (ع) - آمده است، به وسیله پیامبر اکرم (ص) و سپس اوصیای وی یعنی ائمه معصومین (ع)، تعلیم داده شده است و این نظریه همان جریان ایمان به وحی و کتاب و سنت در بستر تاریخ اسلامی از صدر اسلام تا کنون است. تفکیک آن جهان‌بینی و نظام شناختی و دستگاه فکری و تعقلی است که میان مفاهیم و اصطلاحات بشری یا ممتزج از سویی و معارف الهی و آسمانی (متخذ از کتاب و سنت) از سوی دیگر تفاوت قائل است و فرق می‌گذارد، تفکیک سه جهان‌بینی فلسفی، عرفانی و حیانی را در حد هم و عین هم نمی‌شناسد و معتقد است که تاویل و انطباق دادن (تطبیق) به زیان مبانی وحی و معارف قرآنی است، چرا که استقلال

و خودبسندي قرآن و سنت را مخدوش مي‌سازد. (همان منبع، ۵۴۴)

تفكيكيان در رابطه با نقد حوزه معرفت در جهان اسلام امروزي معتقدند كه حقيقي كه اكنون در عرصه معرفت، پيش روي متفكران قرار گرفته است، آميختگي و امتزاج معارف و شناخت‌هاست و به اصالت معرفت وحياني خالص و سره در امتزاج با معرفت‌هاي بشري، صدماتي وارد آمده و از تاثير آن كاسته شده است و بايد دانست كه قرآن كريم - و در کنار آن سنت معصومين (ع) - در هيچ بعدي از ابعاد نيازمندي به هيچ روش و اسلوب و تكمله و توجيه فلسفي و عرفاني و ... نيست و بر استقلال تعاليم قرآني و وحياني تا كيد مي‌ورزد. (همان منبع، ۵۴۱)

اين گروه بين معارف بشري و معارف وحياني معتقد به تفاوت ماهوي و تضاد و تناقض بوده و اصرار مي‌كنند كه فلسفه و عرفان از سنخ تمدن اسلامي يعني نشات گرفته از ميراث سرزمين‌هاي غير اسلامي و قبل اسلامي و پرورش يافته در دنياي اسلام و پالوده گشته در ذهن متفكران فيلسوف يا عارف اسلام است و از سوي ديگر تمدن اسلامي نيز مولود خلافت است نه امامت و عوامل بيگانه در ساخت آن بسيار موثر بوده‌اند. اين گروه معتقدند كه عقل انسان محدود و ناتوان در شناخت همه حقايق است و وجود اختلاف بين اهل عقل بهترين گواه بر اين مطلب است. البته مراد از عقل در اين تفكر نوري است كه با تصفيه باطن و به طريق شرعي حاصل مي‌گردد. نه معقولات و معلومات انساني و فلسفي و عرفاني كه همواره دچار نقص و تغيير و تحول است. (گنجي، ۱۳۸۲، ۵۷)

تفكيكي‌ها به شدت با تاويل -به ويژه تاويل فلسفي و عرفاني- مخالف هستند و اعتقاد دارند كه بدترين نتيجه‌اي كه از مزج معارف آمده تاويل حقايق الهي است در حالي كه كلام الهي و وحياني در همه ابعاد كامل است و نياز به تاويل ندارد و تاويل آراء اساسا به در هم آميزي شناخت‌ها و به جاي هم انديشي مي‌انجامد و جايگاه مجاز تاويل منحصر به موارد است كه ظاهر مراد و معني آيه يا روايتي برخلاف جزم قطعي و بداهت باشد.

در این گونه موارد تاویل جایز و حتی گاه لازم است که البته اغلب این تاویل با روایات و احادیث منقول از ائمه معصومین (ع) صورت می‌پذیرد. البته در این بین بایستی تاکید کرد که اگر چه بزرگان این مکتب در ابتدا به طور کلی مخالف فلسفه و عرفان بوده و آن را باطل محض می‌شمارند - نظیر آنچه که مرحوم میرزای مهدی اصفهانی در کتاب ابواب الهدی و مصباح الهدی به آن می‌پردازد - لیکن برخی از بزرگان معاصر این مکتب معتقدند که تفکیک منکر واقعیتی به نام فلسفه اسلامی و عرفان اسلامی نیست، بلکه آن را همچنان که ذکر شد - چون طب اسلامی و ادبیات اسلامی و تمدن اسلامی، حاصل سرزمین‌های اسلامی و غیر اسلامی و قبل اسلامی می‌شمارند. (اسفندیاری، ۱۳۸۴، ۶۳) در این رابطه البته برخی از محققان نیز تفاوت‌های آشکاری را در مقوله‌های مختلف به ویژه در مساله فهم متون دینی، بین بزرگان ابتدایی و معاصر تفکیکی قائل هستند و از این رو آنها را به دو دسته تقسیم کرده‌اند، تفکیکیان قدیم و نوتفکیکیان.^۱

مکتب تفکیک تاکید می‌کند که سلوک باید بر اساس تقوا باشد، یعنی سلوک خالص قرآنی و این گونه سلوک فقط به دلالت معصوم و با پیروی کامل از معصومین (ع) و به دور از هر گونه روش‌های سلوکی و دستورالعمل‌های ریاضتی دیگر نظیر سلوک متصوفانه، محقق می‌شود و بر بسیاری از عارفان نامدار خرده می‌گیرند. (گنجی، ۱۳۸۲، ۵۷)

به هر حال گفته شده که تکیه مکتب بر سه چیز است: ۱- اهتمام تعقلی به فهم خالص معارف وحیانی ۲- برخورد انتقادی و اجتهادی با مطالب فلسفی، نه برخورد تقلیدی و جمودآور ۳- پیروی از روش علمی اندیشیدن مستقل در معارف که مقتضای آن بالطبع تفکیک است، نه خلط و تاویل و امتزاج (اسفندیاری، ۱۳۸۴، ۶۳)

تفکیکیان تعریف جدیدی از عقل و علم و معرفت ارائه می‌دهند و بر اساس این تعاریف به سراغ مسائل مختلف دینی

^۱ برای آشنایی بیشتر ر.ک مبانی فهم متون دینی از نگاه مکتب تفکیک

از جمله تفسیر و فهم قرآن و سایر متون دینی می‌روند. اینان در زمینه تعارض ادله نقلی با ادله عقلی، حجیت خبر واحد و علم اصول فقه نظرات جدیدی دارند که به تناسب به برخی از آنها خواهیم پرداخت. حال با شناخت کلی که نسبت به مکتب تفکیک حاصل شد، برخی از بزرگان این مکتب معرفی می‌شوند.

۱-۳-۲- آشنایی با بزرگان مکتب تفکیک

۱-۳-۱- میرزا مهدی غروی اصفهانی (تولد ۱۳۰۳ - وفات

۱۳۶۵ ق)

میرزا مهدی اصفهانی را می‌توان بنیانگذار و موسس تفکر تفکیک دانست. وی در سال ۱۳۰۳ هجری قمری در اصفهان متولد شد. پس از تحصیلات مقدماتی و فراگرفتن مقدمات فقه و اصول در سن ۱۲ سالگی رهسپار نجف اشرف شد. بنا به توصیه استادش حاج آقا رحیم ارباب اصفهانی در آغاز ورود به عراق از محضر مرحوم آیه‌الله العظمی سید اسماعیل صدر در امور معنوی و سیر و سلوک بهره برد. وی در نجف فقه و اصول را از اساتیدی همچون مرحوم آخوند خراسانی (صاحب کفایه الاصول) و سیدمحمد کاظم یزدی (صاحب عروه الوثقی) آموخت و در عرصه سیر و سلوک اخلاقی و معنوی نیز با بزرگانی چون مرحوم سید احمد کربلایی و شیخ محمد بهاری - از شاگردان مرحوم ملاحسینقلی همدانی - آشنا و با افرادی نظیر سیدعلی قاضی طباطبایی و سیدجمال‌الدین گلپایگانی مانوس شد. وی همزمان با انقلاب مشروطیت در ایران به اتفاق تنی چند از بزرگان معاصر خویش همچون آیه‌الله العظمی سیدمحمد شاهرودی و آیه‌الله سید جمال‌الدین گلپایگانی، اولین دوره درس مرحوم میرزای نائینی پیرامون مهمات مباحث اصول و فقه را تشکیل می‌دهد. میرزای اصفهانی در کنار فعالیت‌های علمی از سلوک معنوی و اخلاقی نیز غافل نشده و نزد اساتیدی مانند سیداحمد کربلایی مراحل چون معرفت نفس و خلع بدن (تجربید - انخلاع) را پشت سر می‌نهد. به گفته تفکیکیان در سن ۳۰ سالگی میرزا مهدی در اثر توسل به ائمه معصومین (ع) و

در پی ناامیدی از علوم بشری و فلسفی و عرفانی در کسب معارف الهی، اتفاقی فرخنده در زندگی وی رخ می‌دهد و در پی آن نگرش وی به معرفت خدا و فهم هستی و ابعاد علوم قرآنی و طریق وصول به معرفت تغییر می‌کند و در رویای صادقه‌ای که به محضر حضرت حجه‌ابن الحسن العسکری (عج) مشرف می‌شود، ابواب متفاوت و جدیدی از معارف الهی برای وی گشوده می‌شود. وی با این نگاه متفاوت و تحول یافته به اصول و معارف الهی از سال ۱۳۴۰ ه. ق به مشهد مقدس مهاجرت می‌کند و تا سال ۱۳۶۵ ه. ق به تدریس و تبیین دروس تحقیقی خارج و نشر مبانی معارف و تربیت نفوس می‌پردازد و نوعی دید جدید را در اظهار نظر و داشتن درک استقلالی و انتقادی از فلسفه و عرفان ایجاد می‌کند، که همین مبانی، در نهایت به شکل گیری مکتب تفکیک می‌انجامد. ناگفته نماند که میرزای اصفهانی اجازه اجتهاد خویش را از مرحوم میرزای نائینی دریافت می‌کند و سه تن از بزرگان و استوانه‌های علمی شیعه به نامهای آقا ضیاء الدین عراقی، سید ابوالحسن اصفهانی و حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی نیز آن را تایید می‌نمایند. مهمترین دروسی که وی در مشهد به آنها می‌پرداخت شامل درس خارج اصول فقه (برگرفته از نظرات مرحوم نائینی و سید محمد کاظم یزدی)، معارف الهی (بر مبنای دیدگاه‌های قرآنی و روایی خویش) و اصول فقه به شیوه جدید (تحت عنوان اصول آل الرسول) بوده‌اند. از مهمترین شاگردان مرحوم میرزا می‌توان به سید صدرالدین صدر، شیخ مجتبی قزوینی خراسانی، شیخ هاشم قزوینی، میرزا علی‌اکبر نوقانی، شیخ محمدباقر ملکی میانجی، شیخ علی‌نمازی شاهرودی، میرزا جواد آقا تهرانی، شیخ محمود حلبی و شیخ حسنعلی مروارید اشاره کرد.

مهمترین آثار میرزا مهدی اصفهانی شامل ابواب الهی، مصباح الهی، رساله‌های القرآن و الفرقان، حجه القرآن (تقریرات درس میرزا توسط شیخ محمود حلبی)، اصول و سیط، فی بیان وجه اعجاز القرآن و می‌باشد. مرحوم میرزا مهدی اصفهانی که بی‌تردید شاخص‌ترین چهره و پایه‌گذار اصول و مبانی مکتب معارفی جدید در خراسان

است و بعدها به مکتب تفکیک شهرت یافت ، در روز پنجشنبه ۱۹ ذیحجه سال ۱۳۶۵ ه. ق به دیار باقی شتافت و پیکرش در حرم مطهر حضرت ثامن الحجج (ع) به خاک سپرده شد. (حکیمی، ۱۳۷۷، ۲۳۵-۲۱۲)

۱-۳-۲- شیخ مجتبی قزوینی خراسانی (۱۳۱۸ - ۱۳۸۶ ق)

وی که به همراه میرزا مهدی اصفهانی یکی از مهمترین ارکان مکتب تفکیک است، به سال ۱۳۱۸ ق در قزوین متولد شد. پس از تحصیلات مقدماتی، در سنین جوانی به همراه پدر به نجف اشرف رفت و در حدود ۷ سال از محضر بزرگانی چون سیدمحمد کاظم یزدی، میرزا محمدتقی شیرازی و میرزا محمدحسین نائینی بهره برد. وی سپس به قزوین بازگشت و دو سال در زادگاه خود ساکن شد و در این مدت تحت تعلیم مرحوم سید موسی زرآبادی قزوینی - که شوهرخواهر وی نیز بود - به سلوک اخلاقی و معنوی و ریاضیات و مجاهدات شرعی پرداخت. سپس به قم رفت و در این شهر نیز به مدت دو سال از درس خارج حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی استفاه کرد و پس از آن به مشهد هجرت کرد و در این دیار نیز از محضر بزرگانی چون آقا بزرگ حکیم شهیدی، حاج میرزا محمدآقازاده کفائی خراسانی، شیخ اسدالله عارف یزدی، شیخ موسی خوانساری، میرزامهدی غروی اصفهانی و حاج آقا حسین طباطبایی قمی بهره برد. وی از سال ۱۳۴۷ ق در حوزه مشهد به تدریس و تربیت طلاب پرداخت و قریب به ۴۰ سال به این کار مشغول بود. دروس وی در این مدت در سه محور اساسی فقه و اصول اجتهادی، فلسفه و عرفان انتقادی و معارف خالص قرآنی ارائه می‌شد. وی در مسائل سیاسی و اجتماعی نیز همواره به ادای تکلیف می‌پرداخت و از این مساله غافل نبود که نمونه آن را می‌توان در حمایت وی از قیام ۱۵ خرداد و شخص حضرت امام خمینی (ره) مشاهده کرد. درباره آثار وی باید گفت که کتاب بیان الفرقان مهمترین اثر شیخ است که در پنج جلد و به زبان فارسی تصنیف شده است. جلد اول آن در بیان توحید قرآنی، جلد دوم در بیان وحی و نبوت از نظر قرآن کریم، جلد سوم در

بیان معاد خالص قرآنی (معاد جسمانی)، جلد چهارم در بیان نقش اساسی معصوم (ع) در هدایت اصلی و لزوم رجوع به معصومین (ع) در فهم قرآن و جلد پنجم آن به بیان مسائلی نظیر غیبت معصوم، رجعت، شفاعت و می‌پردازد. از دیگر آثار وی می‌توان به رساله‌ای در معرفه النفس، رساله‌ای در نقد علمی و فلسفی اصول یازده گانه ملاصدرای شیرازی و نسخه‌هایی در برخی علوم غریبه اشاره کرد. مرحوم شیخ مجتبی قزوینی سرانجام در روز ۲۲ ذیحجه سال ۱۳۸۶ هجری قمری (مطابق با ۱۴ فروردین ۱۳۴۶ شمسی) دیده از جهان فروبست و در حرم امام رضا (ع) به خاک سپرده شد. (همان منبع، ۲۵۹-۲۴۱)

۱-۳-۳- سید موسی زرآبادی قزوینی (۱۲۹۴ - ۱۳۵۳ ق)

وی در شهر قزوین دیده به جهان گشود و در قزوین و تهران به تحصیل علوم منقول و معقول پرداخت. در قزوین در فقه و اصول از حاج ملا علی‌اکبر ایزدی سیادهنی تاکستانی بهره برد و در تهران نیز از اساتیدی همچون میرزا حسن کرمانشاهی، سید شهاب‌الدین شیرازی، شیخ علی نوری حکمی و شیخ فضل‌الله نوری استفاده کرد. وی علاوه بر علوم رایج حوزوی در علوم غریبه و فنون محتجبه نیز تبحر داشت و در تقوی و تهذیب نفس و سلوک شرعی نیز از نخبگان محسوب می‌شد. گفته شده که وی در اوان دوران مشروطیت طرفدار آن بوده و حتی رساله‌ای در مدح آن نگاشته که در حال حاضر نیز موجود است ولی بعدها بر اثر بروز انحرافات در نهضت مزبور از مخالفان جدی آن گردید. زرآبادی شخصیتی کثیرالتالیف بود و از جمله آثار وی می‌توان به تقریرات فقه و اصول، تعلیقه به بخشی از رسائل، حاشیه بر کفایه الاصول، حاشیه بر مطول، حاشیه بر منظومه سبزواری، حاشیه بر منطق اشارات، اصول دین، حاشیه بر شرح اشارات، رساله اعتقادات، رساله‌ای درباره مشروطیت و رسائل و نسخه‌هایی در انواع علوم غریبه اشاره کرد. سید موسی زرآبادی شاگردان متعددی را نیز تربیت کرد که در این بین، شیخ علی‌اکبر الهیان تنکابنی، شیخ مجتبی قزوینی خراسانی، شیخ هاشم قزوینی خراسانی و سید ابوالحسن